

چهارشنبه ۱۱ دی ۱۳۹۸ ● ۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ ● ژانویه ۲۰۲۰

خبر کوتاه

آقای بردهای میلیمتری

سامان موحدی‌راد

اگرچه ویدئویی جنجالی از سعید راد منتشر شده که از کالدرون به‌دلیل سبک هدایت تیمش انتقاد شدیدی می‌کند، اما این پرسپولیس چراغ خاموش کالدرون از لحاظ آماری در جمع بهترین‌های تاریخ پرسپولیس قرار دارد. شاید بردهای میلیمتری یک بر صفر و پرتعداد پرسپولیس به مذاق خیلی‌ها خوش نیایند و شاید سبک بازی تیم را هواداران نپسندند اما هرچه باشد آمار بردهای کالدرون در نیم‌فصل اول حضورش در پرسپولیس بالاتر از تیم قهرمان پروین و قطبی و همسنگ تیم درخشان دوران برانکو است. سرخ‌ها با پرسپولیس در ۱۹ بازی این فصلش با برانکو ۱۴ پیروزی کسب کرده که ۱۱ پیروزی از این آمار متعلق به بازی‌های لیگ برتر است. از میان ۳ مربی که پرسپولیس را قهرمان لیگ برتر کرده‌اند، تنها یک مربی نیم‌فصل اولش را با ۱۱ برد پشت سر گذاشته. پرسپولیس علی پروین در فصلی که قهرمان شد، بازی‌های نیم‌فصل اولش را با ۱۰ پیروزی پشت سر گذاشته و تیم قهرمان قطبی هم در نیم‌فصل اولش ۱۰ پیروزی کسب کرده بود. تنها تیم برانکو بود که در دو فصل نخست قهرمانی‌اش از ۱۶ بازی ۱۱ پیروزی را کسب کرده و در فصل سوم قهرمانی‌اش هم موفق به ثبت ۹ پیروزی شده بود. با نگاهی به این آمار درمی‌یابیم پرسپولیس کالدرون کارنامه درخشانی در نیم‌فصل اول از خود به جای گذاشته، اگرچه تیمش از نظر نمایش بازی زیبا نتوانسته نظر مثبت هواداران را جلب کند اما سختکوشی‌اش برای رسیدن به پیروزی و کسب نتیجه مطلوب ستودنی است؛ تیمی که حتی در بازی پرفشاری که ۱۰ نفره هم شده، کوتاه نمی‌آید و یکی دیگر از همان بردهای یک بر صفرش را داشت می‌کند تا نیم‌فصل را با آمار درخشان ۱۱ پیروزی پشت سر بگذارد؛اگر نگاهی به تعطیلات پیش‌فصل لیگ امسال ببیندازیم، می‌بینیم باشگاه پرسپولیس یکی از تیم‌هایی بود که خیلی دیر سرمربی‌اش را شناخت. ماجرای رفتن برانکو و دلخوری شدید هواداران موجب شد کالدرون خیلی دیر به تیمش اضافه شود و حتی وقتی هم اضافه شد، از او استقبال خوبی نشود اما او خیلی زود خودش را در پرسپولیس پیدا کرد و علی‌رغم مقاومت‌هایی که می‌شد، توانست خیلی هم مصرانه فلسفه فوتبالی‌اش را در این تیم پیاده کند.اسپانداگی‌اش در جمع کردن حواشی و استفاده حداکثری از ابزارِی که در دست داشت هم موجب شد خیلی زود تیمش را به‌وجود بکشد. همین است که در تیم او ترابی و علیپور و احمد نوراللهی در مرکز توجهاات حضور پیدا کرده‌اند. اصلی پیروزی‌های تیم روی دوش آنها حمل می‌شود. همین هم موجب می‌شود آنها علی‌رغم عملکرد نه‌چندان خوبی که در برخی بازی‌ها از خود به نمایش می‌گذارند، در نهایت با پیروزی زمین را ترک می‌کنند. پرسپولیس کالدرون اگرچه هنوز دل هواداران را به دست نیاورده اما تیم گردن‌کلفتی محسوب می‌شود که به این راحتی‌ها نمی‌خواهد قافیه را ببازد؛ تیمی که از دل بازی‌های سخت بردهای میلیمتری را کسب می‌کند.

فدراسیون فوتبال بعدی می‌تواند ما را امیدوار کند؟

آرمِن ساووخیان

استعفای تاج از ریاست فدراسیون به معنی حضور یک چهره جدید روی مهم‌ترین صندلی مدیریت فوتبال ایران است، ولی آیا این تغییر به معنی ورود یک نگاه جدید به این ورزش مهم و پرطرفدار خواهد بود؟ پاسخ این سؤال اساسی حتی مهم‌تر از نام رئیس اتی فدراسیون است و می‌تواند سرنوشت فوتبال ایران را تعیین کند.ضعف مدیریت در فوتبال ایران دیگر موضوع پنهانی نیست و وضعیتی که این روزها استقلال و حتی پرسپولیس دارد دمدستی‌ترین نشانه‌هاست که در این حوزه چقدر با حداقل‌ها فاصله داریم. فدراسیون فوتبال هم بی‌تعارف در این سال‌ها کارنامه درخشانی نداشته و قرارداد ویلموتس و وضعیت تیم امید کافی است تا بدانیم در آن ساختمان هم وضعیت خیلی بهتر از دو باشگاه پرطرفدار پایتخت نیست.اما تحولی که از روشی‌را داریم از چه مسیری به دست می‌آید و چقدر می‌توان به وقوعش امیدوار بود؟ در غیاب تاج، سکان فدراسیون در اختیار هیأت رئیسه خواهد بود و انتظار می‌رود که اعضای همین هیأت در انتخابات آتی که احتمالا تا پایان سال برگزار می‌شود نقش پررنگی داشته باشند. هرچند هیأت رئیسه فدراسیون بیشتر در حاشیه بوده و مثل تاج در دل اتفاقات حضور نداشته، ولی همراهی‌اش با سیاست‌های کلی فدراسیون ما را به این نتیجه می‌رساند که آنها که موجود آمدن شرایط فعلی بی‌تقصیر نیستند.فوتبال ایران در سال‌های گذشته مشکلات زیادی در حوزه باشگاهی و ملی داشته، ولی هیأت رئیسه هرگز حاضر نشده که تاج را بابت گاف‌ها و کم‌کاری‌ها بازخواست کند، ترجیح داده در سایه بنشیند و حاشیه امنش را به خطر نیندازد. حالا آنها در شرایط جدیدی هستند و با آزمون تازه‌ای روبه‌رو شده‌اند، ولی نمی‌توان چندان امیدوار بود که این گروه مصلحت‌اندیش دست به حرکتی انقلابی بزند و مدیریت فوتبال را به مرتبه بالاتری برساند. آنچه امید به ورود یک تفکر جدید به فدراسیون را کم‌رنگ‌تر می‌کند، اسانسهامی‌ای است که به تصویب همین مدیران رسیده و شروط سختی را برای ورود به ساختمان خیابان ستول تعیین کرده، به طوری که صندلی‌های مدیریت فدراسیون در اختیار همین دایره محدود است. البته هنوز زمان زیادی تا انتخابات ریاست فدراسیون باقی مانده و نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی از گره‌بنا و رقابت پای صندوق داشت، ولی تردیدی نیست که از این دایره بسته هیچ فرمول نجات‌بخشی بیرون نمی‌آید و فوتبال ایران نیاز به نگاه مدیریتی جدیدی دارد. با توجه به مشکلاتی که فوتبال ایران در این سال‌ها پشت سر گذاشته، فدراسیون پیش از همه به یک استراتژی معین و نقشه راه نیاز دارد. مدیریتی که اولویت‌ها را با دقت تعیین کند، پای آنها بایستد و برای رسیدن به آنها راه‌های دقیقی داشته باشد. تعیین رابطه دقیق بین لیگ برتر و تیم ملی (و تیم‌های پایه)، جدی گرفتن بحث درآمذزایی باشگاه‌ها، سختگیری درباره صدور پروانه حرفه‌ای باشگاه‌ها و اهمیت دادن به آموزش (مربیان، داوران و مدیران) می‌توانند از مهم‌ترین بحث‌های فوتبال ایران باشند. شفافیت دیگر گمشده فدراسیون در این سال‌ها بوده و انتظار می‌رود که فدراسیون جدید دوباره اعتماد رسانه‌ها و هواداران را به دست آورد. فدراسیون فوتبال نیاز به تحول زیربنایی و تغییر اساسی دارد و اولویت باید با مدیری باشد که نیاز به این تغییر را حس کند نه کسی که مدافع وضع موجود است. با این حال به سختی می‌توان تصور کرد که مدیرانی با تفکر تازه بتوانند از این هزارتوی پیچ در پیچ عبور کنند و راهی به سمت ساختمان ستول باز کنند. از طرف دیگر ادامه مسیر با مدیران فعلی هم دورنمای امیدبخشی ندارد و اوضاع احتمالا خیلی بهتر از دوران تاج نخواهد بود. تنها راه چاره در روزهای باقی‌مانده تا انتخابات زیر ذره‌بین در حد فدراسیون فوتبال و ادامه بحث‌ها و اتفاقات به این امید است که روزنه‌های جدیدی باز شود و فوتبال بتواند مسیری برای خروج از این دایره بسته پیدا کند.

پرسش‌های یک استعفای اورژانسی

حمله قلبی و شرایط جسمانی ناساعدت بالاخره مهدی تاج را مجبور به استعفا از سمت ریاست فدراسیون فوتبال کرد. شایعه این اتفاق البته از چند روز قبل در فضای مجازی و رسانه‌ای منتشر شده بود. در نهایت آقای رئیس در صبح روزی که از بیمارستان ایران‌مهر بعد از چند روز بستری بودن مرخص شد، استعفای کتبی خود از ریاست فدراسیون فوتبال را به دفتر وزیر ورزش و جوانان ارسال کرد. سکوت سایت رسمی فدراسیون درباره مهم‌ترین اتفاق فوتبال و ورزش ایران در روز گذشته اما باورنکردنی‌ترین اتفاق ممکن بود و علامت سؤال‌های زیادی برای جامعه فوتبال و حتی مسئولان به وجود آورد. هیچ مدیری از مجموعه فوتبال هم درباره عدم اطلاع‌رسانی این استعفای پرس‌سوزها در سایت فدراسیون شفاف‌سازی نکرد. سخنگوی فدراسیون خبر کناره‌گیری تاج را به دلیل شرایط ناساعد جسمانی اعلام کرد. ابراهیم شکوری سرپرست دبیرکلی به فوتبالی‌ها اطمینان داد که با وجود استعفای رئیس کارهای اجرایی فدراسیون با هیچ مشکلی رو به رو نخواهد شد و اعضای هیأت رئیسه و مراجع ذی‌صلاح درباره انتخاب سرپرست و شرایط مدیریتی به زودی تصمیم‌گیری خواهند کرد. فریدون اصفهانپاش عضو هیأت رئیسه ضمن قراردادی از زحمات تاج از انتخاب حیدر بهاروند که سمت نایب رئیسی دوم را در اختیار دارد به عنوان سرپرست احتمالی فدراسیون صحبت کرد اما از طرف دیگر عبدالکامط طالقانی دیگر عضو هیأت رئیسه که ارتباط بسیار نزدیکی هم با مهدی تاج دارد رسماً اعلام کرد هیأت رئیسه با این استعفا موافقت نخواهد کرد. جدا از این تناقض در صحبت‌های اعضای هیأت رئیسه، باید مشخص شود اگر بنا به مخالفت با استعفای تاج است، پس چرا رئیس فدراسیون فامه استعفای خود را به دفتر وزیر ورزش داده اگر وزیر ورزش باید درباره این کناره‌گیری تصمیم بگیرد پس چرا اعضای هیأت رئیسه صحبت از مخالفت با رفتن تاج می‌کنند؟ آیا عدم اطلاع‌رسانی سایت فدراسیون درباره شرایط اضطراری مدیریتی به وجود آمده ارتباطی به همین ابهامات دارد و قرار است بعد از جلسه فوق‌العاده هیأت رئیسه که امروز برگزار می‌شود اطلاع‌رسانی دقیق درباره سیاستی که اتخاذ می‌شود از سوی سایت فدراسیون انجام شود؟ دیروز وقتی خبر استعفای تاج رسانه‌ای شد، وزیر ورزش هم نسبت به این اتفاق واکنش نشان داد و گفت: «حالات قلبی اخیر نگرائی شدیدی را برای آقای تاج و جامعه ورزش ایجاد کرد و نشیدن خبر استعفای ایشان به دلیل بیماری برای من هم ناگوار بود. سلامتی آقای ایشان ما و خانواده محترم‌شان و جامعه فوتبال از هر چیزی مهم‌تر است و قطعاً مدیری توانا را اکنون در مسئولیت اداره فوتبال نداریم ولی به عنوان مشاورِی امین در کنار مدیریت ورزش خواهد بود.» در این وضعیت بر از ابهام، جدا از شفافیت غیر رسمی که از منتفی شدن استعفای تاج حکایت دارد، همه منتظر هستند ببینند اگر جدایی‌ای تا صندلی ریاست رسمی شد آن وقت تا زمان انتخابات، سرپرستی فدراسیون فوتبال را چه کسی بر عهده خواهد گرفت. اسانسانمه فدراسیون فوتبال می‌گوید اگر به هر دلیلی رئیس غایب بود، وظیفه اداره فدراسیون به نواب رئیس داده خواهد شد. نکته قابل تأمل اما اینجاست که بعد از استعفای علی کفاشیان از سمت نایب رئیسی اول هیچ مدیری به عنوان جایگزین برای این پست معرفی نشده؛ البته در روزهای اخیر شایعه‌ای به گوش رسید که در یکی از جلسات هیأت رئیسه در ماه‌های اخیر و با خواسته رئیس، محمود اسانسانمه به عنوان سرپرست نایب رئیسی اول فدراسیون انتخاب شده‌است که این خبر در سایت این مجموعه اطلاع‌رسانی نشده است و هیچ‌کدام از مسئولان فوتبالی هم از زمان اعلام خبر استعفای تاج به این موضوع اشاره نکرده‌اند. این موضوع البته از آنجایی اهمیت زیادی دارد که برخی اخبار غیر رسمی از سرپرستی محمود اسانسانم در فدراسیون حکایت دارد. مدیری که ارتباطی بسیار نزدیک با مهدی تاج دارد و احتمالاً گزینه مورد علاقه رئیس مستعفی برای اداره فدراسیون خواهد بود. از طرفی دیگر برخی دیگر از مسئولان به نظر دارند که سرپرستی فدراسیون را به حیدر بهاروند بازننشسته بدهند که به خاطر سابقه بازنشستگی نتواند در انتخابات بعدی فدراسیون شرکت کند. برخی جریان‌ها نیز معتقد هستند با توجه به اینکه خبر سرپرستی نایب رئیسی اسانسانم رسمی نشده و بهاروند هم بازنشسته است، محمود شعبی مدیرعامل باشگاه پیکان که عضو هیأت رئیسه فدراسیون نیز هست باید به عنوان سرپرست انتخاب شود. دیروز خبرگزاری مهر حتی خبر عده‌ای احتمالا علی کفاشیان سرپرست فدراسیون فوتبال شد و این شکل کلاهبرداری سرپرستی پیچیده‌تر از قبل شده است. نکته عجیب شکل ارسال اخبار به **AFC** است که آنها را به شدت نسبت به اتفاقات فوتبال ایران حساس کرده است. آنها با طرح این پرسش که سرپرست توسط چه ارگانی انتخاب می‌شود، خواهان عمل به اسانسانمه تصویبی اعضای مجمع هستند. سوال این است چه کسانی و با چه رویکردی اطلاعات را برای مدیران فوتبال ایران را در یک شرایط پر از ابهام قرار داده است. به هر حال این احتمال وجود دارد که با توجه به اینکه تنها ۵ ماه تا انتخابات فدراسیون زمان باقی مانده، تاج را راضی کنند که استعفای خود را پس بگیرد اما به خاطر شرایط سخت و خطرناک قلبی و جسمانی، با نقیوض اختیار طبق اسانسانمه، اداره فدراسیون را به اعضای هیأت رئیسه بسپارد و خودش روی امور نظارت داشته باشد. به هر صورت این هم یک احتمال بسیار جدی است که نباید آن را نادیده گرفت.

امتیاز

روزنامهصبح ایران

حرف‌های تکانه‌دهنده ملی‌پوش بوکس:

برای خرج زندگی کولبری می‌کنم!

برای هر کیلو بار، ۱۲هزار تومن می‌گیریم؛ ورزش قهرمانی پول می‌خواهد



می‌آوریم. وقتی کولبری می‌کنیم فشار عجیبی به بدن ما می‌آید. ساعت ۲ شب می‌رویم و راه طولانی است و تا این شرایط را نپسیند نمی‌دانید وضعیت ما چگونه است. سه ساعت راه می‌رویم و باید لباس گرم بپوشیم و خطر پرت شدن از کوه داریم. * هفته‌ای دو بار کولبری می‌کنیم. بوده که

اجبار نداری مجبورم. از مسئولین خواهشمندم

حمایتم کنند.

* ورزش قهرمانی و ورزشکار قهرمان بدون حمایت مالی به جایی نمی‌رسد. بوکس ورزشی است که به حمایت شدیدی نیاز دارد. بنده با این شرایط راه دشواری پیش رو دارم. ما شب‌ها می‌رویم کول * از سن ۱۵ سالگی مشغول به کار سخت کولبری برای خرج زندگی و تحصیلم شدم. کولبری که جان جوانان این سرزمین را می‌گیرد و مجبور می‌کند تا از اهدافشان دست بکشند. تا به حال از هیچ‌جا حمایت نشدم. کولبری شغلی نیست که بشود به آن دل بست از فقر و

پرسپولیس این روزها مسیری شبیه استقلال را طی می‌کند؛

از احتمال جدایی سرمربی این تیم گرفته تا تغییرات مدیریتی و حتی سرپرستی. البته شاید در بحث مدیریتی با وجود مدیری مانند انصاری‌فرد که فردی از بدنه فوتبال به‌شمار می‌رود، سرخ‌ها کمی ساختارمندتر عمل می‌کنند اما رفتن احتمالی کالدرون و تغییرات سرپرستی در بدنه کادر پرسپولیسی‌ها این تیم را بیش از هر زمان دیگری شبیه همتای آبی‌پوشش کرده است.

کالدرون و ماجراهایش

گفته می‌شود استرا، از روز اول حاشیه‌های زیادی را از خود بروز داد، اما کالدرون هم در این مدت کمتر از همتای خود روی نیمکت آبی‌پوشان نشان نداده و بیضا با اظهارنظرات جنجالی‌اش در مدت نیم‌فصل حضورش در پرسپولیس خیرساز شده. با این حال اگر انصاف را رعایت کنیم، سرمربی آرژانتینی سرخ‌ها به نسبت از لحاظ رفتاری آرام‌تر و باثبات‌تر نشان داد اما او هم در زمان رفتن حرف‌هایی را زد و اقداماتی را انجام داد که همه را نگران کرد تا داستانی شبیه سرمربی ایتالیایی استقلال‌ی‌ها پیش بیاید. بر همین اساس و درخصوص اظهارات کالدرون بعد از دیدار با نساجی، برخی‌ها گمانه‌زنی‌ها را به سمت اطرافیان باشگاه برده و برخی دیگر نیز این مواضع و گلاجه‌ها را به افشین پیروانی ربط دادند. اعلام شده کالدرون از اینکه پیروانی به‌عنوان مدیر تیم در کنارش است، ابراز ناراضایتی کرده و می‌خواهد دوباره خیلی را کنار خودش ببیند آن‌هم درحالی‌که پیش از این دوست نداشت با خیلی هم کار کند و محمدرحسن انصاری‌فرد درنهایت تن به این جابجایی داد.

بعد از این اظهارات و فضای پرابهامی که در پیرامون باشگاه

مرتضی احمدی

مهدی تاج یک روز بعد از مرخص شدن از بیمارستان به خاطر آنچه که مشکلات قلبی عنوان شده، از سمت خود به عنوان رئیس فدراسیون فوتبال کناره گیری کرد. تاج در فوتبال ایران با شوک جدیدی مواجه شود. تاج در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ بود که در رقابت با مصطفی آجورلو و عزیزالله محمدی دیگر کاندیداهای ریاست فدراسیون فوتبال توانست با کسب ۵۰ رأی به عنوان ریاست برسد. تاج در آن زمان به پشتوانه حضور یکساله اش در سازمان لیگ و پیش از آن سابقه کار در سازمان لیگ در انتخابات ثبت نام کرد و با کمک هیأت‌های استانی که نقش زیادی در انتخاب وی داشتند، به صندلی ریاست رسید و جای علی کفاشیان را گرفت. تاج در مدت سه سال و نیم حضورش در فدراسیون چالش‌های مختلف و متعددی را تجربه کرد که مرور آن خالی از لطف نیست.

درگیری با عزیزی خادم بر سر انتخاب هیأت رئیسه

یکی از چالش‌های تاج در فدراسیون بر سر انتخاب عضو هیأت رئیسه شکل گرفت. ۲۹ آذر ۹۶ رأی گیری به منظور انتخاب یک عضو برای اضافه شدن به هیأت ریسه فدراسیون فوتبال انجام شد و با پیروزی محمود اسانسانم به پایان رسید. تعدادی از اعضای مجمع و جمعی از نماینده‌های شهاب عزیزی خادم نسبت به نحوه رأی گیری و به خصوص نحوه شمارش آرا که متفاوت با دیگر انتخابات مشابه بود به شدت معترض بودند و فدراسیون را متهم به تقلب در انتخابات کردند. این عده معتقد بودند که نحوه شمارش آرا باید مثل

محمد سر رشته داری

می‌گویند محبوبیت‌های این روزهای عصر ارتباطات میکرووفری است، راست می‌گویند، طرف جلوی دوربین موبایلش می‌رقصد و معروف می‌شود، این دیگری خودش را شبیه به عروس مردگان جراحی می‌کند و مشهور می‌شود. نفر بعدی کودک کار را به درون سطل اشغال پرتاب می‌کند و منفور می‌شود. اما به هر حال فردا نه کسی سحر تبر را یادش هست و نه رقص آن بنده خدایی که سرش را مثل سوفی (ربات خانم جدید و هوشمند) به چپ و راست می‌چرخاند. کسی آنها را برای فردا یادش نیست، محبوبیتی دقیقاً میکرووفری شده، غذا داغ می‌شود اما داغی‌اش خیلی زود از بین می‌رود.
هر چی شاه فرهاد بگه، هر چی علی آقا بگه!

ارتباط این موضوع به فوتبال چیست؟ قطعاً میردان ناصر و منصور در استقلال را می‌شناسید و با آنها برخورد کرده‌اید، علی پروینی‌ها را هم حتما می‌شناسید، این میردان و آن هواداران انگار قسم خورده‌اند تا پس از مرگ هم ناصر و منصور کنند و علی آقا علی آقا بگویند. اما طیف میکرووفری جدید هواداران اینگونه

حیدر بهاروند دو عضو هیأت رئیسه مقابل این قانون مقاومت کردند.

دست به دامن فیفا و AFC برای ماندن

مهدی تاج خودش هم شامل قانون بازنشسته‌ها می‌شد اما تمام تلاشش را به کار برد تا از فدراسیون کنار نرود. در آن مقطع زمانی حتی این شائبه وجود داشت که فدراسیون فوتبال در نامه نگاری با فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا، آنها را به حمایت از اعضای فدراسیون تحریک کرد. همین موضوع تهدید **AFC** و فیفا را مبنی بر تعلیق فوتبال ایران در صورت برکناری رئیس فدراسیون در پی داشت.

یکی از برنامه‌های مهدی تاج و سازمان لیگ پیش از شروع لیگ نوزدهم، استانداردسازی ورزشگاه‌ها و کاهش آسیب‌ها و حواشی مسابقات فوتبال بود. فدراسیون به همین بهانه، باشگاه‌ها را تحت فشار قرار داد و زمان شروع لیگ برتر را تا ۳۱ مرداد به تعویق انداخت اما در عمل نه تنها بعضی از ورزشگاه‌ها به استاندارد مدنظر نرسیدند بلکه حاشیه‌ها هم به روال قبل در لیگ جریان داشت.

پروژه عجیب انتخاب مارک ویلموتس برای تیم ملی

یکی دیگر از چالش‌های قابل توجه فدراسیون فوتبال، قطع همکاری با کارلوس کی روش و انتخاب جانشین او بود. در حالی که مهدی تاج و دیگر اعضای فدراسیون تمایل به انتخاب «هروه رنار» سرمربی مراکش داشتند اما به یکباره فدراسیون مارک ویلموتس سرمربی بلژیکی را انتخاب کرد. ویلموتس باوجود شروع خوب در ایران، بعد از بازی با عراق و بحرین زیر شدیدترین انتقادات قرار گرفت و قراردادی که قرار بود تا پایان

ورزش

شماره ۲۸۸۱

ورزش قهرمانی پول می‌خواهد

گاهی تمرین نکردم و به کولبری مشغول بودم. درآمد ما به وزن بار است و هرچه بار سنگین‌تری بیاوریم پول بیشتری می‌گیریم. برای هر کیلو بار، ۱۲هزار تومن می‌گیریم. اگر ساعت ۲ شب برویم امکان دارد ۱۲ ظهر برگردیم.

* چندبار در مسابقات کشوری شرکت کردم و شکست خوردم. چندبار به اردوی تیم ملی دعوت شدم. در خودم می‌بینم که توانایی دارم و اگر در خودم این توانایی را در ورزش نمی‌دیدم بوکس را رها می‌کردم.

* من می‌خواهم خودم را در المپیک ببینم و اگر کسی نباشد حمایتم کند به جایی نمی‌رسم. رویای من المپیک است و به راهم ادامه می‌دهم. * متأسفانه هیچ سازمانی ما را حمایت نمی‌کند. غرورم به من اجازه نداده پیش کسی دست دراز کنم و درددل کنم. همیشه دستم در جیب خودم بوده. باور کنید زندگی خرج دارد و ورزش قهرمانی پول می‌خواهد. آقای عبدالملکی (دبیر هیئت بوکس کردستان) را در مسابقات کشوری ۹۸ آبان ماه در تمرینات استان دیدم. خواسته‌ام این است حمایتم کنند و اسپانسری باشند تا من را حمایت کند.

پيروانی: دروغ است، با کالدرون دعوا نکردم



و مسابقات باشیم؛ این در حالی است که در این مدت هم در دو سه مسابقه کنار هم بودیم و هم سفر رفتیم و اگر مشکلی بود شاید بعدا اتفاقات دیگری رخ می‌داد نه اینکه در کنار هم برای موفقیت پرسپولیس گام برداریم.»

حمایت کالدرون از کامیابی‌نیا

خبر عجیب دیگری نیز دیروز منتشر شد مبنی‌بر اینکه کالدرون مدعی شده برخی بازیکنان از جمله امید عالیشاه و کمال کامیابی‌نیا در رختکن جاسوسی می‌کنند؛همزمان با تکذیب این خبر از سوی باشگاه، پیگیری‌ها از نزدیکان کالدرون نیز حاکی از حمایت مربی آرژانتینی از کامیابی‌نیا است. وی که دیروز به آرژانتین رسیده اعلام کرده صحبتی از جاسوس بودن بازیکنان نکرده و درباره کمال نیز تاکید کرده به او علاقه دارد و نمی‌تواند هرگز درباره‌اش از لفظ جاسوس استفاده کند.

فدراسیون تاج؛ ۴۲ ماه پر از ابهام و تنش

جام جهانی ۲۰۲۲ اعتبار داشته باشد، بعد از ۶ ماه فسخ شدها جلبال اینجاست که ویلموتس به فیفا هم شکایت کرده و خواستار غرامت شده است.

ابهامات مالی از درآمدها و کمک‌های فیفا
درآمدهای ایران در فیفا به خاطر حضور در جام جهانی و نحوه هزینه کردن آنها هم ابهام دیگری از زمان ریاست تاج در فدراسیون است. تاج همواره تاکید می‌کرد ایران درآمدهایش را از فیفا نگرفته در حالی که استعلام رسانه‌های ایران از فیفا موضوع دیگری را نشان می‌داد.

رفت و آمدهای متعدد در تیم فوتبال امید
اردیبهشت ماه ۱۳۹۷، حمید استیلی مدیر تیم فوتبال امید خبر از انتخاب زلاتکو کرانچار به عنوان سرمربی تیم فوتبال امید داد. بحث درباره اتفاقات تیم امید زیاد است اما در زمان ریاست تاج، سرمبگیری این تیم در عرض یک سال و نیم، دستخوش اتفاقات عجیبی شد. کرانچار بعد از بازی‌های آسیایی، از سمتش برکنار شد. فدراسیون فوتبال بعد از مدتی طولانی، فرهاد مجیدی را سرمربی کرد و این مربی هم بعد از گذشت چند ماه همکاری، استعفا کرد تا سکان هدایت تیم امید در سال حساس انتخابی المپیک به حمید استیلی برسد. به این موارد، می‌توان اتفاقات دیگری را هم اضافه کرد. حضور «به هر قیمتی» محمدرضا ساکت در فدراسیون و کنار مهدی تاج، انتخاب جانشین کفاشیان در انتخاب «هروه گیری محمدرحسن انصاریفرد از ریاست کمیته فنی فوتبال، نامشخص بودن وضعیت ویلموتس، مذاکره با برانکو آیوانکوویچ برای هدایت تیم ملی و … هم در زمره چالش‌هایی بود که تاج با آن دست به گریبان بود

همه مجامع دگر روی تخته و در مقابل دید همه اعضای مجمع و با حضور نماینده‌های کاندیداها صورت می‌گرفت.حتی زمانی که مهدی تاج قصد ترک سالن مجمع را داشت با نمایندگان عزیزی خام برخورد کرد.

چالش با کی روش و تهدید به شکایت به فیفا
صرفنظر از تمام حتماتی که کارلوس کی روش پیش از جام جهانی و جام ملت‌های آسیا به فدراسیون فوتبال داشت، درگیری او بعد از پیوستن به تیم ملی کلمبیا رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. کی روش به خاطر مطالباتش فدراسیون فوتبال را تحت فشار می‌گذاشت و حتی بحث شکایت به فیفا را هم مطرح کرده بود. مهدی تاج هم بارها اعلام کرد که قرار است فیفا مطالبات کی روش را بدهد و مشکلی در این زمینه متوجه فدراسیون نیست. البته ناراحتی‌های کی روش از تاج به خاطر مطالبات و پاداش‌ها و نحوه آماده سازی تیم ملی در مقاطع مختلف از جمله پیش از جام ملت‌های آسیا بر هیچکس پوشیده نیست.

فشار برای کنار گذاشتن بازنشسته‌ها

یکی از اتفاقات ویژه دوران کارلی مهدی تاج به عنوان رئیس فدراسیون فوتبال، فشار به این فدراسیون برای کنار گذاشتن بازنشسته‌ها بود. هرچند فدراسیون فوتبال جلسات متعددی برای برون رفت از این فشار برگزار کرد و بحث را به مدت طولانی معلق نگه داشت اما سرانجام علی کفاشیان نایب رئیس فدراسیون فوتبال، محمدرضا ساکت دبیر فدراسیون و غلامرضا بهروان مسئول کمیته مسابقات سازمان لیگ از پست‌های خود کنار رفتند. البته ساکت و بهروان به شکل‌های دیگری به فدراسیون برگشتند اما فریدون اصفهانپاش و

نیستند. آنها فرهاد مجیدی و علی کریمی را دوست دارند اما نه برای همیشه و نه برای همه جا، باید برآورد کنند ببینند دوست داشتن‌شان در آن روز به خصوص چه درصدی دارد. همین چند وقت قبل بود که علی کریمی کمپین گذاشت که مردم در اعتراض به بالا رفتن قیمت اتومبیل‌ها، ماشین نخرند. سه هفته بعد در PV جادوگر غوغایی بود که حالا تو بیا ضرر و زیان ما را بده. آنها که می‌گفتند هر چی علی آقا بگه چنان به او حمله می‌کردند انگار بالا رفتن قیمت ماشین تقصیر او بوده است! فرهاد مجیدی را به هفت مقدس و شاه فرهاد می‌شناختند، اما وقتی قرار شد این پیشکسوت لباس بکند و به استقالی که استراماچونی رهایش کرده بود برود چنان حمله‌ای به اینستاگرام او کردند که خود فرهاد هم باورش نمی‌شد و احتمالا در آن ۲۴ ساعت که مورد حمله شبانه قرار گرفته بود پلک نزد.

از اهالی کوفه تا بی احترامی به اسطوره

هواداران همین فرهاد در استادیوم آزادی ۸ سال قبل به خاطرش در درگیری با لیدرها خونین و مالین شده بودند اما پیراهنش را در نیاورده بودند. آن روزها امیر قلعه‌نویی آنها را

مجیدی، قربانی محبوبیت‌های میکرووفری!

اهالی کوفه خوانده بود و معترض بود که چرا نام او را در استادیوم صدا می‌زنند. به نظر می‌رسد باید ایستاد و روی این نقطه دوباره فکر کرد. هواداری این نبود، امکان نداشت ناصر و منصور فحش بخورند، ممکن نبود حتی اگر خودشان با دشمن خودشان برخورد استقلال را نابود می‌کردند باز هم عزت و احترام‌شان سر جایش بود و بدترین حرف‌ها حیا کن و رها کن بود، اما امروز فضای مجازی چیزهای نو و بدیعی را نشان می‌دهد، نوعی از فحاشی نوظهور که قبلا حتی برای رقیب هم به کار برده نمی‌شد. اینکه استرا بیاید یا نیاید، اینکه فرهاد بیاید و نیاید بحث این مقال نبود و نیست. بحث احترام هواداران است به اسطوره‌های‌شان که بسیار کم‌رنگ شده است. میجشی که امیر قلعه‌نویی باز کرده بود و برخی هواداران استقلال را اهالی کوفه خوانده بود شاید متفاوت باشد، به هر حال فرهاد برترین و محبوب‌ترین گلزن ده سال اخیر استقلال بود و هنوز هم بازیکن، اما موضوع امروز متفاوت است، به هر حال فرهاد اشتباه نکرده بود که می‌خواست به استقلال کمک کند (هر چند برای این پست شاید خیلی جوان بود) اما همچنان کنار و یار استقلال بود و نباید با می‌مهری مواجه می‌شد.